

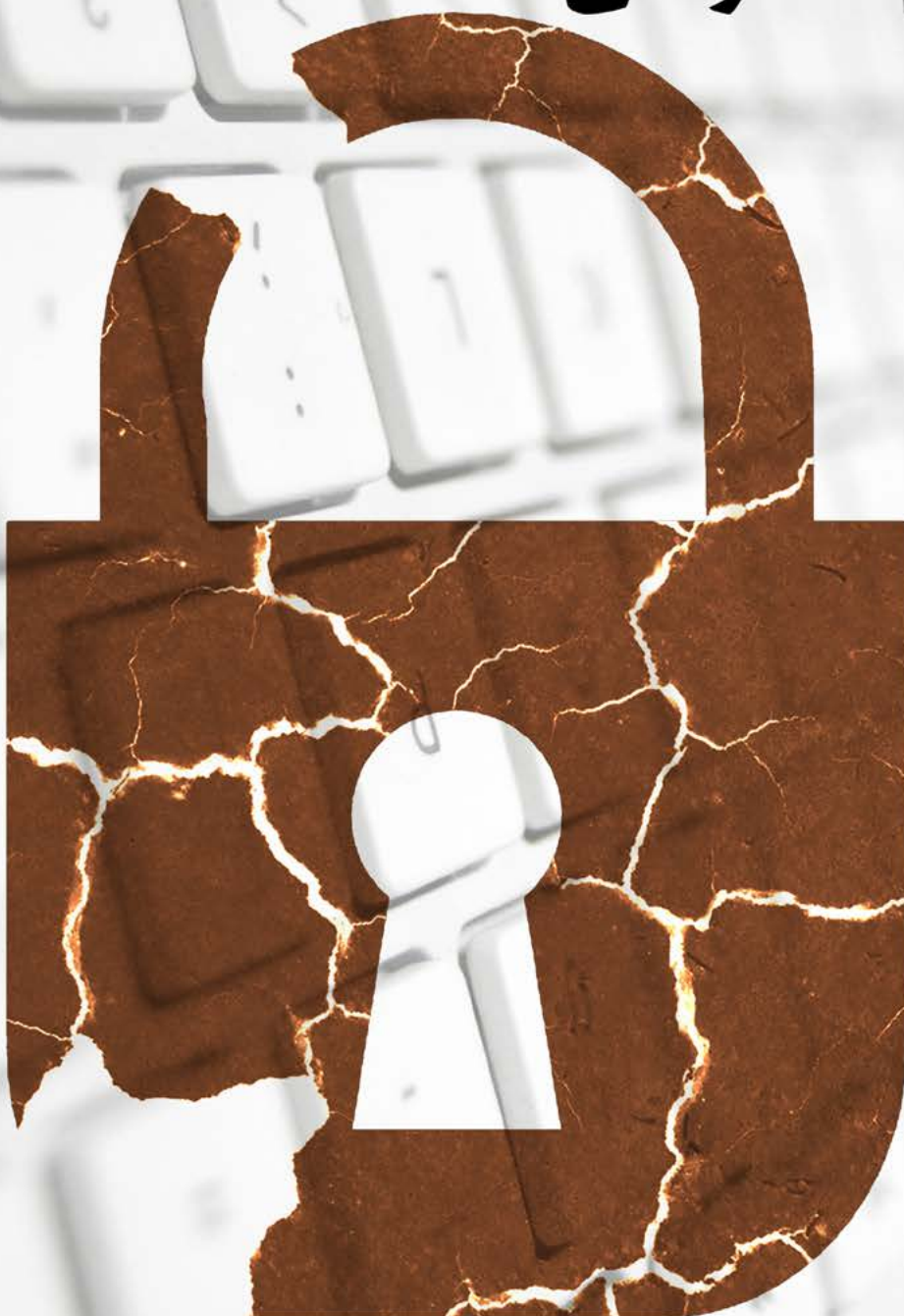
ما از عدالت سهمی داریم
سازمان حقوق بشر ایران

سال دوم شماره ۳۴

۱۰ تیر ۱۳۹۵ / ۳۰ ژوئن ۲۰۱۶

حقوق ما

حریم خصوصی



ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر ایران/ محمود امیری مقدم

سر دبیر این شماره: کامبیز غفوری

تحریریه: نعیمه دوستدار، علی مهتدی، آرش بهمنی، آیدا قجر

صفحه بندی: ماهور خوش قدم

مشاور حقوقی: محمد اولیایی فرد

تماس با مجله: mail@iranhr.net

حقوق ما در ویرایش مطالب آزاد است

یادداشت هایی که از روزنامه نگاران و اشخاص دریافت می شود نظر شخصی آنان است و دیدگاه مجله حقوق ما نیست

حقوق و حریم خصوصی؛ از وارن و برن دیس تا عصر فیس بوک



حریم خصوصی در عرف و حقوق داخلی ایران



اسکرین شات دارم پس متهم می کنم!



سلبریتی ها و حوزه خصوصی



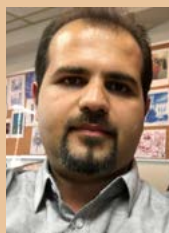
نقض حریم شخصی کودکان؛ رد پای برجسته والدین

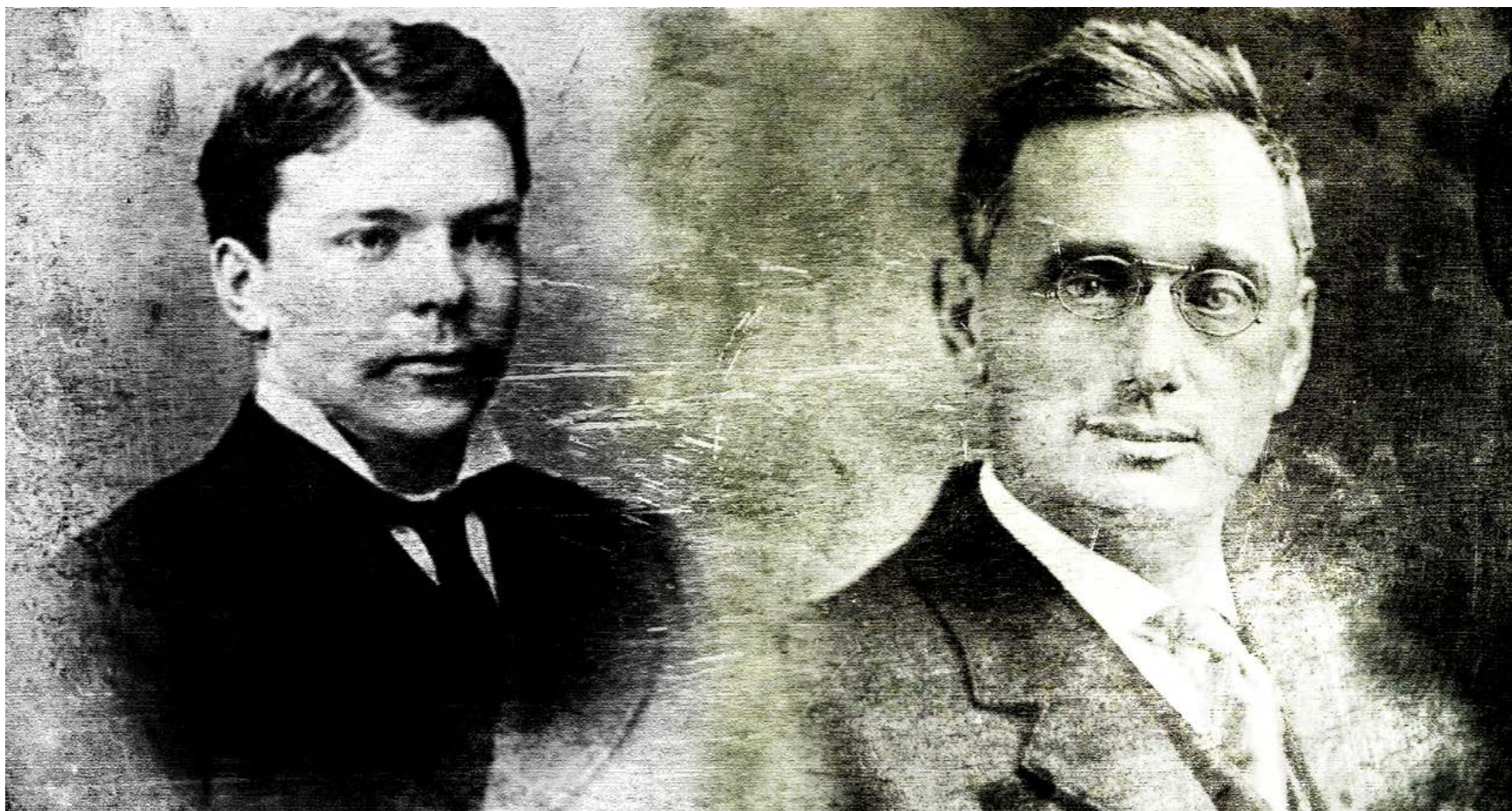


حوزه خصوصی؛ قوانینی قدیمی در عصر فن آوری الکترونیک



کارتونی از رضا مختار جوزانی





حقوق و حریم خصوصی؛

از وارن و برندیس تا عصر فیس‌بوک



کامبیز غفوری

«حریم خصوصی» یکی از مفاهیمی است که چه در زندگی روزمره و چه در حوزه‌های اخلاقی، فلسفی و حقوقی، تعریف کردن آن دشوار است و به سختی در یک چارچوب قاطع جای می‌گیرد.

یکی از قدیمی‌ترین مباحث مطرح‌شده درباره حریم خصوصی،

به قرن چهارم پیش از میلاد و زمانی بازمی‌گردد که ارسطو، فیلسوف یونانی و نویسنده کتاب سیاست، میان سپهر عمومی (حوزه شهر یا polis)، با سپهر خصوصی (حوزه خانواده یا oikos) تمایز قائل شد. با این حال، حریم خصوصی انسان‌ها در دوران پیشامدرن و زمانی که اصولاً بخشی از جامعه بشری خود می‌توانست برده یک انسان دیگر یا رعیت یک فئودال باشد، هنوز قابلیتی برای درک عمیق نداشت.

تعریف حریم خصوصی به مفهومی که ما امروزه می‌شناسیم، در آستانه‌ای ورود به قرن بیستم و همراه با گسترش رسانه‌ها، در مقاله‌ای حقوقی به قلم ساموئل وارن و لویی‌س برندیس، تبیین شد. پیش از آن در دوران مدرن، جان لاک، حریم خصوصی را در چارچوب مفهوم مالکیت خصوصی بررسی کرده بود و جان استوارت میل، این مفهوم را به عنوان حوزه‌ی اختیار شخصی، در برابر قلمرو عمومی -به مفهوم حوزه‌ی

مطرح کردند و از مبحث انتشار جزئیات زندگی خصوصی انسان‌ها سخن به میان آوردند. آن‌ها گفتند که حریم خصوصی، دیگر محدود به ملک شخصی و مزارع و تعداد دام‌های تحت تملک یک فرد و سایر موارد به رسمیت شناخته شده در قانون عرفی نیست، بلکه ظهور «تکنولوژی جدید»، قوانینی تازه برای حمایت از انسان‌ها و حوزه‌ی شخصی آن‌ها طلب می‌کند. اشاره‌ی این دو حقوق‌دان به «اختراعات جدید» عصر خود، برای ما که روزگار تولد و بلوغ شبکه‌های اجتماعی اینترنتی و اپلیکیشن‌ها و پلتفرم‌های رنگارنگ اشتراک‌گذاری و تماس مستقیم و گروهی را به چشم دیده‌ایم و با لذت‌ها و مصائب ناشی از آن‌ها دست و پنجه نرم می‌کنیم، بسیار ملموس‌تر است.

شهرها و اماکنی پر از دوربین‌های مدار بسته، ابزارهای ثبت و ضبط و ارسال صدا و تصویر، شبکه‌هایی مختص انتشار متن و مولتی‌مدیا، تلفن‌های هوشمند و دیگر ابزارهای مجهز به فن‌آوری‌های مکان‌یاب که از مختصات هر گامی که برمی‌دارید خبر دارند، دست به دست هم داده‌اند تا بیش از هر زمان دیگر در تاریخ جوامع بشری، لزوم شناخت عمیق‌تر مفهوم حریم خصوصی، ایجاد مباحث تخصصی حقوقی و تدوین قوانین جدید در این زمینه را به یک ضرورت جدی تبدیل کنند.

همکاران مجله حقوق ما در این شماره، به بخش‌هایی از موضوعات مربوط به حوزه خصوصی پرداخته‌اند.

نعیمه دوستدار به یک معضل رایج در این روزها اشاره کرده است. او در مطلبی ذیل عنوان «اسکرین‌شات دارم، پس متهم می‌کنم»، به ابعاد حقوقی تهدیدهای اینترنتی با استفاده از متن چت‌ها و ای‌میل‌ها پرداخته و قوانین موجود را بررسی کرده است.

آرش بهمنی، حریم خصوصی افراد مشهور مانند فوتبالیست‌ها و بازیگران سینما را بررسی کرده است. او در گزارش خود مصاحبه‌ای نیز با مهناز افشار انجام داده و نظر این بازیگر را به همراه گفته‌های دبیر سرویس فرهنگی یکی از نشریه‌های چاپ تهران، آورده است.

آیدا قجر موضوعی را زیر ذره‌بین گذاشته که تا کنون کمتر بدان پرداخته شده است: «حریم شخصی کودکان». او می‌نویسد که «تازگی حریم شخصی برای کودکان باعث شده تا این مساله در قوانین ایران جایی نداشته باشد».

علی مهتدی، حوزه خصوصی را در قوانین بین‌الملل و عصر الکترونیک بررسی کرده است.

همچنین در یادداشت حقوقی این شماره، دیدگاه حرفه‌ای نقی محمودی را درباره مقوله حریم خصوصی و قوانین مرتبط با آن در ایران، خواهید خواند.

اختیار دولت- قرار داد. لیکن وارن و برندیس بودند که در سال ۱۸۹۰ با وارد کردن تعریفی جدید از privacy یا حریم خصوصی انسان‌ها به حوزه‌ی حقوق، فصلی تازه را در این علم گشودند.

لویی‌س برندیس و ساموئل وارن، برترین فارغ‌التحصیلان سال ۱۸۷۷ دانشگاه هاروارد (برندیس بالاترین معدل تاریخ مدرسه حقوق هاروارد را تا آن روز به خود اختصاص داد و وارن شاگرد دوم همان کلاس بود)، در نخستین سال‌های کار حرفه‌ای خود، دفتری حقوقی را در بوستون تأسیس کردند و یکی از نخستین مواردی که به آن برخوردند، رویارویی با انتشار اطلاعات مربوط به افراد در رسانه‌ها بود.

آن دو در مقاله‌ای با عنوان «حق حریم خصوصی» در مجله حقوقی دانشگاه هاروارد، پس از اشاره به این که «تغییرات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مستلزم ایجاد قوانین جدیدی هستند»، نوشتند که پیش از آن روزگار، قوانین موجود، روی تجاوز فیزیکی به سلامت یا ملک شخص متمرکز بودند و «حق زندگی» در قانون، به حمایت فرد از انواع ضرب و جرح و کشتار محدود می‌شد؛ در صورتی که اکنون (در زمان وارن و برندیس) حقوقی چون «حق آسوده زیستن» باید طرح و بررسی شوند.

وارن و برندیس بحث حقوقی حریم خصوصی افراد و احتمال نقض آن را در «اختراعات جدید مانند عکاسی و روزنامه»



THE RIGHT TO PRIVACY.

"It could be done only on principles of private justice, moral fitness, and public convenience, which, when applied to a new subject, make common law without a precedent; much more when received and approved by usage."

WILLIAMS, J., in *Millar v. Taylor*, 4 Burr. 2305, 2312.

THAT the individual shall have full protection in person and in property is a principle as old as the common law; but it has been found necessary from time to time to define anew the exact nature and extent of such protection. Political, social, and economic changes entail the recognition of new rights, and the common law, in its eternal youth, grows to meet the demands of society. Thus, in very early times, the law gave a remedy only for physical interference with life and property, for trespasses *vi et armis*. Then the "right to life" served only to protect the subject from battery in its various forms; liberty meant freedom from actual restraint; and the right to property secured to the individual his lands and his cattle. Later, there came a recognition of man's spiritual nature, of his feelings and his intellect. Gradually the scope of these legal rights broadened; and now the right to life has come to mean the right to enjoy life,—the right to be let alone; the right to liberty secures the exercise of extensive civil privileges; and the term "property" has grown to comprise every form of possession — intangible, as well as tangible.

Thus, with the recognition of the legal value of sensations, the protection against actual bodily injury was extended to prohibit mere attempts to do such injury; that is, the putting another in



نقی محمودی

علی‌رغم نسبی بودن مفهوم حریم خصوصی در جوامع و فرهنگ‌های مختلف و همچنین محدودیت‌ها و استثناهای مدون در قوانین جاری برخی کشورها، می‌توان حریم خصوصی را اطلاعات، اسرار و امور شخصی و خصوصی افراد، گروه‌ها و شخصیت‌های حقوقی تعریف کرد.

با این تعریف، می‌توان دریافت که اطلاعات افراد غیر که به علی‌چون ارتباط اجتماعی یا شغلی در اختیار فردی قرار دارد، شامل حریم خصوصی فرد مذکور نمی‌شود. به عنوان

مثال، ممکن است دوستی نامه‌ها، عکس‌ها و فیلم‌های خصوصی خود را به دوستش سپرده باشد. امانت‌گیرنده علی‌رغم وظیفه‌ی حفظ و نگهداری موارد مذکور و عدم خیانت در امانت، نمی‌تواند مدعی وارد بودن موارد مذکور در حوزه‌ی حریم خصوصی خود باشد. کارشناس، پزشک، وکیل و صاحبان مشاغلی از این دست که به لحاظ حرفه‌ای اسرار و اطلاعاتی در اختیار دارند و طبعاً از لحاظ قانونی و اخلاقی مسئول حفظ و عدم افشای آن هستند، همین حکم را دارند. اطلاعات و اسرار حرفه‌ای، داخل در حریم خصوصی صاحبان مشاغل محسوب نمی‌شود.

همچنین مقوله‌ی حریم خصوصی، به‌سان سایر مفاهیم اخلاقی، از قاعده‌ی نسبیت تبعیت می‌کند. بدین معنی که در زمان‌ها، مکان‌ها، فرهنگ‌ها و جوامع پیشرفته و بدوی، دامنه‌ی حریم خصوصی دستخوش نوسانات عمده‌ای می‌شود. مثلاً با پیشرفت و گسترش ارتباطات مجازی بین انسان‌هایی که گاه هیچ شناختی - حتی دورادور - از یکدیگر ندارند، انتشار عکس‌ها و فیلم‌های خصوصی در شبکه‌های اجتماعی از قبیل فیسبوک و یا توئیتر، به لحاظ رضایت خود شخص به انتشار آن‌ها، از زمره‌ی حریم خصوصی، خارج شده است.

قانون‌گذاری در حوزه‌ی حریم خصوصی در کشورهای مختلف نیز ممکن است از دامنه‌ی متفاوتی برخوردار باشد. بحث و

جدل‌های جدی که گاه در مطبوعات، مجالس و یا کانال‌های تلویزیونی کشورهای مختلف در ارتباط با محدودیت‌ها و یا کنترل حریم خصوصی شهروندان از جمله در شنود مکالمات تلفنی و یا نامه‌های سنتی و الکترونیکی در می‌گیرد، خود گواه نسبی بودن این حریم است.

مثلاً ممکن است به بهانه‌ی خطر تروریسم، مجالس قانون‌گذاری برخی کشورها، برای مدتی معین و یا نامحدود، قوانین شنود مکالمات تلفنی و یا کنترل مکاتبات و مراسلات پستی و یا مجازی شهروندان را تصویب و به موقع اجرا گذارند. البته لازم به ذکر است که طبق قوانین داخلی و کنوانسیون‌های

حریم خصوصی در عرف و حقوق داخلی ایران

بین‌المللی، اصل بر محرمانه‌بودن و عدم کنترل و افشای مکالمات، مراسلات و امور شخصی و خصوصی افراد است. تا جایی که اداراتی از قبیل ثبت اسناد و املاک، ثبت احوال، بانک‌ها و غیره که به طریقی در جریان امور شخصی شهروندان هستند، به استثنای مواردی که قانون‌گذار تعیین کرده است، مسئول حفظ اسناد، اطلاعات و داده‌های مراجعین یا مشتریان خود هستند.

یکی دیگر از مصادیق حریم خصوص در کنار سایر مصادیق این حریم، «حق بر بدن» است. هر چند حق بر بدن موارد متعدد و گوناگونی را در بر می‌گیرد، ولی آن‌چه در این یادداشت مد نظر من است، احترام به بدن انسان‌ها به عنوان حریمی است که نقض آن، نقض حریم خصوصی افراد تلقی می‌شود. لمس و تماس جنسی با بدن افراد بدون رضایت و تمایل آن‌ها، خاصه بدن کودکان، از جمله اموری است که در سال‌های اخیر با دقت بیشتری ملحوظ نظر قانون‌گذاران، روان‌شناسان، جامعه‌شناسان و حقوق‌دانان قرار گرفته است. حتی در قوانین بیشتر کشورهای اروپایی، عکاسی و فیلم‌برداری از بدن برهنه و نیمه‌برهنه‌ی انسان‌ها بدون اذن و رضایت، جرم‌انگاری شده است. این حساسیت و توجه به حق بدن، در مورد کودکان، دو چندان است.

حریم خصوصی در قوانین داخلی ایران

یک - قانون اساسی:

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تنهاترین و صریح‌ترین اصلی که به رعایت حریم خصوصی افراد پرداخته، اصل بیست و پنجم این قانون است. اصل بیست و پنجم مقرر می‌دارد: «بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابراتی تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آن‌ها، استراق سمع و هر گونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون».

با توجه به سابقه وکالت، خاصه در پرونده‌های سیاسی، به کرات شاهد نقض صریح اصل فوق‌الذکر و تعرض به حریم خصوصی موکلانم بوده‌ام. هر چند در قسمت اخیر اصل مذکور، قید شده که صرفاً به حکم قانون می‌توان وارد حریم خصوصی افراد شد، ولی گاه اداره اطلاعات در هماهنگی با قضات و گاه بدون انجام هماهنگی و به طور مستقیم، نامه‌های موکلینم را بازرسی، تلفن‌شان را شنود و ایمیلشان را کنترل می‌کرد. بر همین اساس، اطلاعات اخذ شده از حریم خصوصی موکلینم، به عنوان دلیل توجه اتهام به آن‌ها از سوی اداره اطلاعات، به دادگاه ارائه می‌شد و دادگاه‌ها نیز با توجه به جمع‌آوری دلایل با ورود به حریم خصوص افراد، مبادرت به صدور حکم می‌کردند.

بنابراین مقررات این اصل که متضمن رعایت حقوق و حریم خصوصی شهروندان است، در عمل به بوته فراموشی سپرده شده و به راحتی از سوی مامورین انتظامی و اطلاعاتی زیر پا گذاشته می‌شود.

دو - قانون مجازات اسلامی:

در ابتدای این نوشته به اسرار حرفه‌ای اشاره کردم و این که در اختیار داشتن برخی اسرار و اطلاعات، هر چند برای افرادی که به سبب نوع شغل و حرفه خود، حریم خصوصی محسوب نمی‌شود ولی برای مراجعین به صاحبان این گونه مشاغل، حریم خصوصی محسوب می‌شود. اسرار جمع سر است و سر نیز در لغت به هر کار پوشیده و مخفی که انسان آن را در درون خود پنهان نگه می‌دارد، گفته می‌شود. به موضوعی سر گفته می‌شود که دارای چنین ویژگی‌هایی است: ۱- افشای آن به آبرو و حیثیت افراد لطمه وارد کند، ۲- مصلحت مشروع اقتضا کند که آن سر مخفی بماند؛ ۳- افراد محدودی آن راز و سر را بدانند.

منظور از اسرار حرفه‌ای، موارد و موضوعاتی است که اشخاص به مناسبت حرفه و شغل خود به دست آورده باشند. بنابراین می‌توان سر را امری دانست که به مناسبت شغل و حرفه‌ای در اختیار دیگری قرار می‌گیرد و مصلحت مشروع، اقتضا می‌کند

که آن سر مخفی بماند. به همین دلیل است که این قبیل اسرار را اسرار حرفه‌ای می‌نامند.

قانون مجازات اسلامی، افشای اسرار مردم را از سوی افرادی که به مناسبت شغل و حرفه‌شان اسرار مردم را به دست می‌آورند، جرم می‌داند و مرتکب را قابل تعقیب و مجازات می‌شناسد؛ چرا که در این مشاغل مردم به دلیل نیازشان به این افراد مراجعه می‌کنند و باید به آنها اطمینان داشته باشند و بر مبنای همین اطمینان اسرار خود را بیان کنند تا از راهنمایی‌های آن‌ها برای رفع مشکل خود برخوردار شوند.

ملاک قابل مجازات بودن افشای اسرار، قوت جنبه عمومی این عمل است؛ چرا که دارا بودن شغل و حرفه‌ای که مردم نیازمند مراجعه به آن هستند، موجب اطمینان عموم شده است و آن‌ها با تکیه بر این اطمینان، راز خود را نزد این افراد بازگو می‌کنند. در حقیقت، افشای راز موجب بی‌اعتمادی مردم و اختلال در نظم اجتماعی خواهد شد. در ماده ۶۴۸ قانون مجازات اسلامی، آمده است:

«اطباء، جراحان، ماماها، داروفروشان و تمامی کسانی که به مناسبت شغل و حرفه خود محرم اسرار می‌شوند، هر گاه در غیر از موارد قانونی، اسرار مردم را افشا کنند، به سه ماه و یک روز تا یک سال حبس یا تا یک میلیون و پانصد هزار ریال تا شش میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌شوند».

ماده ۶۴۸ قانون مجازات اسلامی در مقام تبیین جرم افشای اسرار حرفه‌ای به مشاغلی از قبیل پزشکی، جراحی، مامایی و داروفروشی پرداخته است ولی با توجه به قید «تمامی کسانی که به مناسبت شغل و حرفه خود محرم اسرار می‌شوند»، به روشنی می‌توان دریافت که احصای شغل‌های مندرج در ماده مذکور، تمثیلی بوده و مقررات این ماده می‌تواند مشاغل دیگری همچون روانشناسی، وکالت، کارشناسی دادگستری و مانند آن‌ها را در بر گیرد.

دموکراسی و حفظ حریم خصوصی

حفظ یا تجاوز به حریم خصوصی شهروندان از سوی دولت‌ها، ارتباط مستقیمی با دموکراسی و یا عدم آن در کشورها دارد. در کشورهایی که -هر چند به صورت نسبی- به اصول دموکراسی پایبند هستند و جریان آزاد اطلاعات از طریق مطبوعات و رسانه‌های مستقل وجود دارد، مجلس در تحدید و دخالت در حریم خصوص افراد، جانب احتیاط را رعایت می‌کند؛ اما در کشورهای که دموکراسی هنوز جایگاه واقعی خود را پیدا نکرده است، حد و مرزی بر تجاوز به حریم خصوصی شهروندان متصور نیست و دولت‌ها برای حفظ و بقای حاکمیت خود، حتی قوانین مصوب خود را نیز نادیده می‌انگارند.



اسکرین شات دارم پس متهم می‌کنم!



نعیمه دوستدار

همه چیز خوب و خوش پیش می‌رود. گل و بوسه و عکس دو نفره و حرف‌های عاشقانه. گاهی حتی حرف‌های سکسی و تحریک‌کننده در صفحه نمایشگر؛ جایی که هر دو به امنیتش اعتماد دارند. بعد ناگهان باد و توفان و دعوا و درگیری و خشم و نفرت. گل و بوسه و حرف‌های عاشقانه به کنار، گفت‌وگوهای تحریک‌کننده و سکسی را کجا باید گذاشت؟ خون جلوی چشم‌ها را گرفته و می‌خواهند افشاگری کنند. باید جایی اینها را نشان داد و ثابت کرد که طرف، «هرزه» و «مزاحم» بوده.

اسکرین شات! این است حلال مشکلات!

یک طرف رابطه از متن چت‌ها، گفت‌وگوی‌ها و عکس‌ها اسکرین‌شات می‌گیرد. تهدید می‌کند که همه چیز را فاش خواهد کرد. گاهی تنها می‌خواهد بترساندش، گاهی می‌خواهد آبرویش را بریزد. گاهی می‌خواهد پولی بگیرد و اخاذی کند.

اما آیا صفحه چت و محتوای ایمیل‌های خصوصی، جزو حریم خصوصی هستند؟ آیا می‌توان افشاگری درباره آن‌ها را به دادگاه کشاند و اعلام جرم کرد؟

موضوع حریم خصوصی در قوانین ایران از آن دسته موضوعات مناقشه‌برانگیزی است که اطلاعات دقیق حقوقی درباره آن در میان مردم وجود ندارد و از سوی دیگر، دنیای جدید و تکنولوژی نقض آن را و پاره‌کردن پرده‌های حریم شخصی افراد را آسان‌تر کرده‌اند.

بر اساس اصل بیست و دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند».

افشای اطلاعات خصوصی هم بر اساس قوانین ایران جرم است. قانون مجازات اسلامی، در ماده ۷۴۵ افشای اسرار خصوصی دیگران را جرم دانسته و مجازات آن را جزای نقدی و تا دو سال حبس در نظر گرفته است.

هرچند در قانون ایران به روشنی مشخص نشده که اسرار و

اطلاعات خصوصی شامل چه مواردی است، اما ماده هشت قانون «احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی» نامه‌ها، عکس‌ها، نوشته‌ها و فیلم‌های خصوصی را از مصادیق بارز این آزادی‌ها و حقوق شهروندی دانسته. رویه قضایی و عرف، حتی نسخه‌های پزشکی، احکام دادگاه‌ها و اسناد مالی را هم جزو اسرار و اطلاعات خصوصی می‌داند.

ماده ۶۶۹ «قانون مجازات اسلامی هم تهدید به انجام عملی را که ممکن است موجب ضرر آبرویی یا شرافتی یا افشای اسرار خانوادگی گردد، خواه تهدیدکننده به این واسطه، تقاضای مال به قصد اخاذی کرده و یا نکرده باشد»، جرم می‌داند و برای آن تا ۷۴ ضربه شلاق یا تا دو سال حبس در نظر گرفته است. بر این اساس حتی اگر کسی تنها تهدید به افشای اطلاعات خصوصی کند، به جرم تهدید دست زده و این موضوع قابل پیگیری است.

ماده ۱۷ قانون جرایم رایانه‌ای می‌گوید که «هر کس به وسیله سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی صوت یا تصویر یا فیلم خصوصی یا خانوادگی یا اسرار دیگری را بدون رضایت او جز در موارد قانونی منتشر کند یا دسترس دیگران قرار دهد، به نحوی که منجر به ضرر یا عرفاً موجب هتک حیثیت او شود، به حبس از نود و یک روز تا دو سال یا جزای نقدی از پنج میلیون ریال تا چهل میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد».

همچنین، نشر اکاذیب هم یک جرم عمومی است که در ماده ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی به آن اشاره شده و از آن جا که اینترنت، فضای مناسبی برای انتشار اکاذیب است، نشر اکاذیب در فضای سایبری از منظر حیثیت افراد قابل پیگیری است.

با این حال بسیاری از افراد تصور می‌کنند که آنچه در اینترنت و فضای مجازی رخ می‌دهد جزو واقعیت نیست و مدرک و سند قانونی و قابل پیگرد به حساب نمی‌آید. این در حالی است که متن گفت‌وگو در شبکه‌های مجازی و ارتباطی مثل تلگرام، چت در فیس‌بوک، ایمیل، صدای ضبط شده و فیلم جزو دلایل قابل استناد است و قانون ایران هم آن‌ها را جزو «دله الکترونیک» تعریف می‌کند.

برای این است که اگر کسی از طریق این ابزارها شخص دیگری را تهدید کند، متن چت‌ها و ایمیل‌ها یا پیام‌های صوتی به عنوان مدرک در دادگاه مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

دادگاه‌های جرایم رایانه‌ای با استفاده از کارشناسان اینترنت و فن‌آوری، می‌توانند این نوع مدارک را بررسی کنند.

ادله الکترونیک اما نه هک شده!

اینکه ادله الکترونیک در دادگاه معتبرند، می‌تواند زمینه‌ساز سوءاستفاده عده‌ای قرار بگیرد که فکر می‌کنند می‌توانند با ارائه چنین مدارکی، فردی را با اطلاعات حریم خصوصی‌اش تهدید کنند.

توجه به این نکته ضروری است که برای تهیه این نوع سندها باید از روش‌های قانونی استفاده شده باشد. مثلاً اطلاعاتی که از راه هک کردن به دست آمده باشد یا به شکل غیرقانونی صدا و تصویر فردی ضبط شده باشد، نه تنها مورد قبول دادگاه قرار نمی‌گیرد که می‌تواند به عنوان یک جرم برای شخص ارائه‌کننده این مدارک در نظر گرفته شود.

بر همین اساس کسانی که با عنوان هکر، اطلاعات خصوصی مثل عکس‌ها، ویدئوها و متن چت‌های افراد دیگر را می‌دزدند و تهدید به افشای آنها می‌کنند نیز به دلیل مجرمانه بودن عمل‌شان، بر اساس قوانین جرایم رایانه‌ای مورد پیگرد قرار خواهند گرفت.

قانون جرایم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸ در مواد ۸، ۱۱، ۱۲ و ۱۳ و ۱۷ مجازات کسانی را که به صورت غیرمجاز داده‌های اطلاعاتی افراد شامل صوت، تصویر یا متن گفت‌وگوها را می‌دزدند، تعیین کرده است، بر اساس این مواد قانونی، مجرمان به دو سال حبس تعزیری و جریمه نقدی مجازات خواهند شد.

در حالی که بازار تبلیغات برای شنود دیگران و هک کردن حساب‌ها و دسترسی به مدارک خصوصی‌شان گرم است، برابر ماده ۳ قانون جرائم رایانه‌ای، فرد به دنبال شنود اطلاعات به حبس از یک تا سه سال یا جزای نقدی از ۲۰ تا ۶۰ میلیون ریال یا هردو مجازات محکوم می‌شود و انتشار اطلاعات به صورت غیرمجاز مجازات حبس از دو تا ده سال دارد.

همچنین فروش یا افشای اطلاعات به سازمان یا شرکت یا گروهی دیگر، حبس از پنج تا ۱۵ سال را برای خاطی به همراه دارد و اگر کسی به طور غیر مجاز داده‌های کسی را از سیستم رایانه‌ای حذف یا تخریب یا غیرقابل پردازش کند، به حبس از شش ماه تا دو سال یا جزای نقدی از ده تا ۴۰ میلیون ریال یا هردو مجازات محکوم می‌شود.

دستکاری یا تخریب داده‌ها هم حبس از شش ماه تا دو سال یا جزای نقدی از ۱۰ تا ۴۰ میلیون ریال یا هردو مجازات را به همراه دارد.

برابر ماده ۱۰ این قانون هم، مخفی کردن داده‌ها، تغییر گذر واژه‌ها که مانع دسترسی اشخاص به داده‌های خودشان می‌شود، از ۹۱ روز تا یک سال حبس یا جزای نقدی از پنج تا ۲۰ میلیون ریال یا هردو مجازات رابه همراه دارد.

دست بردن در عکس‌ها و فیلم‌ها هم می‌تواند به ضرر فرد تهدیدگر تبدیل شود چون «هرکس به وسیله سیستم‌های رایانه‌ای، فیلم یا صوت یا تصویر دیگری را تغییر دهد یا تحریف و آن را منتشرکند، به نحوی که عرفاً موجب هتک حیثیت او شود، به حبس از ۹۱ روز تا دو سال یا جزای نقدی از پنج تا ۴۰ میلیون ریال یا هردو مجازات محکوم خواهد شد.» هرچند وجود دادرسی ویژه جرایم سایبری، اهمیت پیگیری قانونی چنین جرایمی را نشان می‌دهد اما به نظر می‌رسد که با توجه به عواقب شدید این نوع افشاگری‌ها برای فرد قربانی، میزان مجازات مقرر شده در این قانون به نسبت جرم ارتكابی ناکافی است.

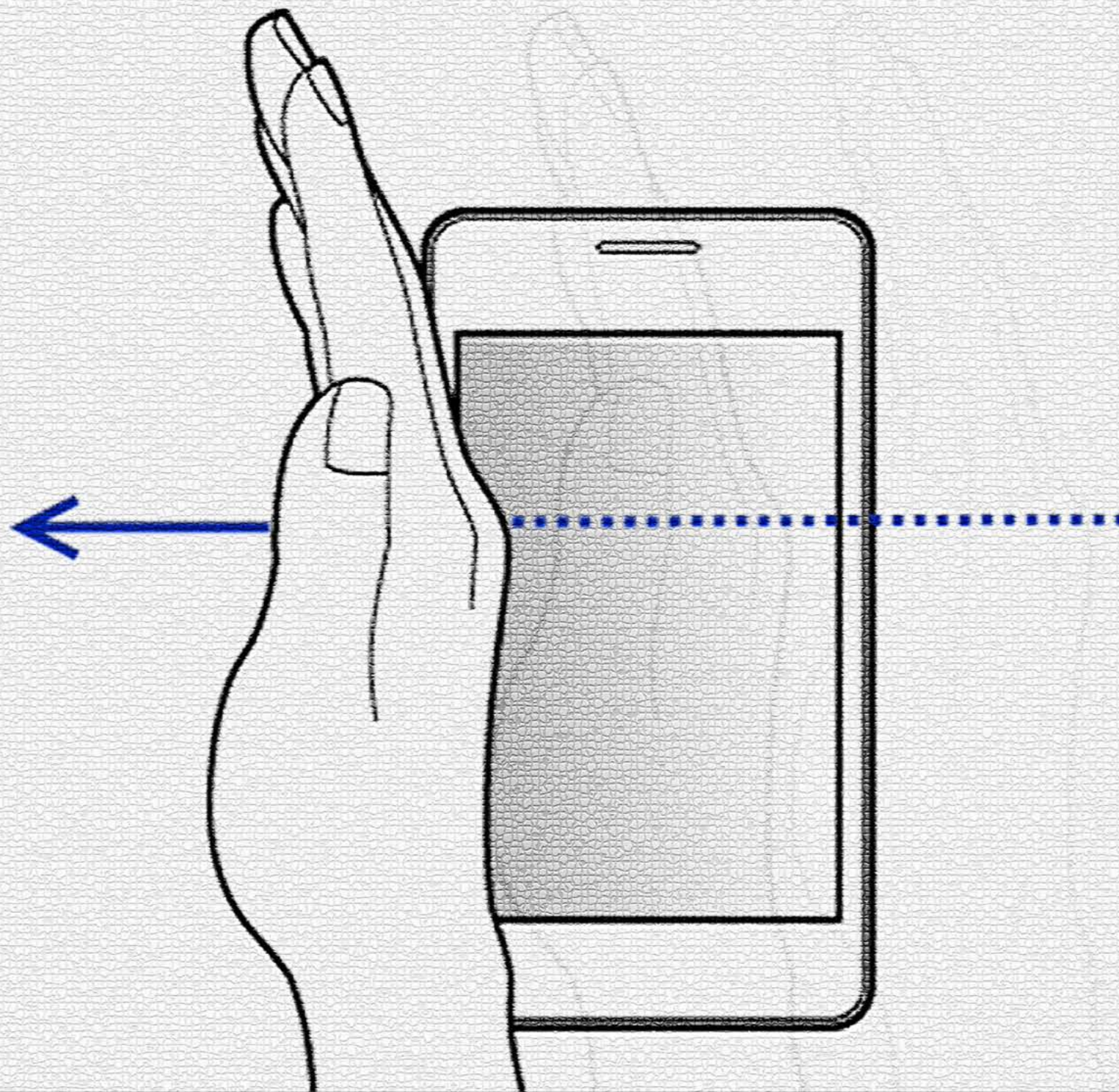
ترس از اتهام

یک نکته بسیار مهم در پرونده‌های مربوط به افشاگری‌ها و تهدیدهای اینترنتی این است که بسیاری از شاکیان تصور می‌کنند که در صورت شکایت بابت این نوع تهدیدها، به دلیل محتوای چت‌ها یا ای‌میل‌ها ممکن است در دادگاه به جرم رابطه نامشروع مجازات شوند. این اتهام با توجه به فضای عرفی ایران برای اغلب افراد ترسناک است و ممکن است به خاطر آن تن به خواسته‌های فرد تهدیدگر بدهند.

این در حالی است که بر مبنای رویه قضایی، قضات وارد تحقیق درباره رابطه نامشروع نخواهند شد به دلیل اینکه تحقیق در این موارد بدون وجود شاکی خصوصی یا مشهود بودن جرم، ممنوع است.

نکته مهم دیگر در این زمینه، امکان پیگیری قانونی جرایم اینترنتی از طریق پلیس بین‌الملل است. از سال ۲۰۱۱ مجتمع مقابله با جرایم سایبری در سنگاپور تاسیس شده که ۱۹۰ کشور دنیا می‌توانند از خدمات پلیس اینترپل و انیستیتوی رسانه‌های دیجیتال فرانسهوفر - از شرکت‌های اصلی ارائه دهنده خدمات اینترنت امن در جهان - بهره‌مند شوند.

بر این اساس کلاهبرداری که با استفاده از خدمات اینترنتی کشورهای دیگر در داخل ایران اخاذی می‌کنند در صورت شکایت، از سوی پلیس اینترپل قابل ردیابی هستند.



سلبریتی‌ها و حوزه خصوصی



آرش بهمنی

حدود یک ماه پیش غلام‌حسین محسنی اژه‌ای، سخن‌گوی قوه قضائیه، به نقل از سازمان پزشکی قانونی اعلام کرد که دلیل مرگ «مهرداد اولادی»، فوتبالیست، مصرف «مواد مخدر و الکل» بوده. انتشار این خبر، واکنش‌های مختلفی را برانگیخت. واکنش‌هایی که عموماً این کار را «مذموم» و باعث «آبروریزی» برای اولادی و خانواده او توصیف می‌کردند. برخی دیگر اما با اشاره به شهرت اولادی و حضور او در رسانه‌ها، اعلام «دلیل واقعی» مرگ او را طبیعی و حق کسانی می‌دانستند که اخبار مربوط به او را دنبال می‌کردند.

اعلام دلیل مرگ این بازیکن فوتبال اما بحثی قدیمی‌تر را نیز بار دیگر مطرح کرد. این که مرز حریم خصوصی چهره‌های مشهور جامعه تا کجا است و رسانه‌ها تا کجا مجاز هستند که اخبار مربوط به آن‌ها را پیگیری و منتشر کنند. این مرزها چقدر با مرزهای حوزه خصوصی افراد عادی تفاوت دارند؟ بحثی که پس از فراگیری شبکه‌های اجتماعی، شکل جدیدی به خود گرفته است.

انتشار علت مرگ اولادی یکی از معدود موارد از این دست در ایران بود. در سال‌های اخیر گرچه شایعه‌های مختلف درباره زندگی شخصی یا مرگ چهره‌های مشهور وجود داشته، اما کمتر پیش آمده بود که یک مقام رسمی اعلام کند دلیل مرگ چهره‌ای، مصرف مشروب الکلی یا مواد مخدر بوده است. یکی از دلایل مهم این مساله ممنوع بودن مصرف این دو در ایران و مجازات‌های قانونی برای آن‌هاست.

اقدام سخن‌گوی قوه قضائیه البته واکنش‌های مختلفی را موجب شد. علاوه بر نزدیکان و هواداران اولادی که به این اقدام اعتراض کردند، برخی دیگر نیز این کار را مصداق نقض حریم خصوصی او توصیف کردند. از آن جمله حسن اسدی زیدآبادی، فعال حقوق بشر، در یادداشتی برای روزنامه شرق، «میل به افشاگری» افراد و رسانه‌ها به «تیت خیر آگاه‌سازی افکار عمومی یا تربیت اجتماع از طریق هشدار نسبت به برخی مفاسد یا آسیب‌های اجتماعی» را سبب قربانی شدن افرادی از «میان اشخاص عادی و یا معروف» دانست. به عقیده زیدآبادی

انتشار این اطلاعات درباره ولادی، نقض ماده ۱۴ قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات بود.

پیش از این خبر، عکس و فیلم‌های مختلف دیگری نیز از چهره‌های مشهور در فضای مجازی منتشر شده بود. علاوه بر جذابیت موارد این‌چنینی به دلیل درگیر بودن یک چهره مشهور با آن و کنجکاوی عمومی نسبت به آن، مساله دیگری که توجه به این گونه موارد را جلب می‌کند، تفاوت میان زندگی خصوصی و عمومی چهره‌های مشهور در ایران است. تفاوتی که به دلیل ارزش‌های حاکم بر حکومت و تبلیغات رسانه‌های رسمی، کمتر اجازه بروز و ظهور در فضای عمومی را می‌یابد و به همین دلیل توجه نسبت به آن نیز بیشتر می‌شود.

موافقان انتشار چنین اخباری، با اشاره به نفس کار این اشخاص و توجه عمومی نسبت به آن‌ها، بر این عقیده‌اند که حوزه خصوصی برای آن‌ها بسیار کمتر از افراد دیگر است، اما مخالفان و منتقدان بر این عقیده‌اند که هر انسانی حق دارد حوزه خصوصی خود را داشته باشد و قانون نیز از آن محافظت کند.

چند سال پیش و پس از انتشار عکس‌های برهنه جنیفر لارنس، بازیگر سینما، از تلاش خود برای غیرقانونی کردن انتشار عکس، خبر یا فیلم‌هایی داده بود که به شکل غیرقانونی به دست می‌آیند. عکس‌های او پس از هک کردن حساب کاربری‌اش در آی‌کلاد به دست آماده و سپس در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده بود. با این حال همان زمان دانیل سولوو، بنیان‌گذار TeachPrivacy در مقاله‌ای نوشت که این کار در آمریکا و براساس متمم اول قانون اساسی - برای حفظ آزادی بیان - احتمالا شدنی نیست.

تعریف حوزه خصوصی برای چهره‌های مورد توجه عموم مردم، کاری دشوار است. بسیاری بر این عقیده‌اند که چهره‌های این چینی از آن‌جا که اساسا با همین توجه عمومی به شهرت رسیده و از همین مساله نیز استفاده می‌کنند، کمترین حد ممکن حریم شخصی را دارند. رسانه‌های مختلفی - که در اصطلاح به آن‌ها «رسانه‌های زرد» گفته می‌شود - اخبار مربوط به این افراد را پوشش می‌دهند: از رژیم غذایی تا خرید لباس و از روابط عاشقانه با افراد تا مشکلات احتمالی در زندگی شخصی.

حوزه خصوصی این چهره‌ها را چگونه باید تعریف کرد؟

مهناز افشار، بازیگر سینما، به «حقوق ما» گفت: «اگر من بخواهم حریم خصوصی مهناز افشار را تعریف کنم می‌گویم مهناز افشار بعد از ورود به خانه». او اضافه کرد که «افراد مشهور سعی می‌کنند خودشان حریم خصوصی خودشان را نسبت به روحیات و سبک زندگی خودشان تعریف کنند».

افشار از «خانواده، فرزندان و آنچه در خانه‌ام رخ می‌دهد» به عنوان مرزهای حریم خصوصی خود یاد کرد، گرچه اضافه کرد که «در این چند سال پذیرفتم انتظار عقب راندن دیگران از این حوزه انتظار بیهوده‌ای‌ست. واقعیتی است غیرقابل انکار که زندگی کردن را سخت کرده». او همچنین منتقد این استدلال است که چنین وضعیتی در تمام دنیا برای چهره‌های مشهور وجود دارد: «تو گویی هر چیزی چون در همه جای دنیا رخ می‌دهد پس به عنوان یک عمل صحیح باید آن را پذیرفت»، چرا که «این حضور در حوزه خصوصی افراد آسیب‌های جدی برای آن‌ها و نزدیکان‌شان در پی داشته و دارد».

افشار در سال‌های اخیر بیش از پیش مورد توجه رسانه‌ها قرار گرفته. دیدار با اسفندیار رحیم‌مشایی، رئیس دفتر محمود احمدی‌نژاد، در سال ۸۸ و حضور در مراسم حج با هزینه دولت، ازدواج با فرزند محمدعلی رامین، مشاور احمدی‌نژاد و معاون مطبوعاتی وزارت ارشاد، متولد شدن فرزندش در آلمان و در نهایت حمایت از «لیست امید» در انتخابات مجلس یازدهم از جمله دلایلی است که توجه به او را بیشتر کرده.

افشار از «انتشار عکس‌های خصوصی و بی‌حجاب» و زندگی با یاسین رامین «که موارد بسیاری منتشر شد که به حریم خصوصی من ارتباط داشت» به عنوان نمونه‌ای از مشکلات خود در سال‌های اخیر نام می‌برد. او اضافه کرد که گرچه همیشه تلاش کرده «با رسانه‌ها و مخاطبان یک ارتباط دو طرفه و دوستانه» داشته باشد تا «با ارائه توضیح و یا تایید و تکذیب» این اکان را فرام کند که «تصویر حقیقی خبر در ذهن مخاطب» شکل بگیرد، اما «نمی‌توان گفت همیشه موفق بودم مخصوصا در برابر اخبار منتشر شده در مورد ازدواجهم که به دلیل برخی ملاحظات و محدودیت‌ها آن‌طور که می‌خواستم عمل نکردم».

اگر پیش از این عموما شایعه یا رسانه‌های زرد - و در خارج از ایران، پاپاراتزی‌ها - منبع اصلی انتشار چنین اخباری بوده‌اند، در سال‌های اخیر و با گسترش و همه‌گیر شدن شبکه‌های اجتماعی، آن‌ها تبدیل به یکی از اصلی‌ترین منابع چنین اخباری شده‌اند. حساب‌های کاربری این افراد که از سوی خود آن‌ها یا افراد مورد اعتمادشان اداره می‌شود، مورد توجه کاربران، هواداران و رسانه‌ها هستند. عکس، متن و حتی «لایک»‌های آن‌ها نیز عموما تبدیل به خبر می‌شود.

از سویی شبکه‌های اجتماعی این امکان را به چهره‌های مشهور داده که در پیرامون مسایل مختلف، در کمترین زمان ممکن و به شکل مستقیم نظر خود را با مردم در میان بگذارند. این مساله به خصوص در کشورهایی نظیر ایران که به دلیل محدودیت رسانه‌ها امکان انعکاس برخی مسایل در نشریه‌های رسمی وجود ندارد، می‌تواند به مشخص شدن موضع این افراد کمک کند.

با این حال هستند کسانی که معتقدند چهره‌های مشهور خود نیز در دامن زدن به این فضا نقش دارند. کاظم (نام مستعار) دبیر سرویس فرهنگی یک از نشریه‌های چاپ تهران، به «حقوق ما» گفت «با توجه به شبکه‌های اجتماعی بخصوص و با تاکید به اینستاگرام» شکل نیاز مخاطبان به «اخبار زرد» تفاوت پیدا کرده: «اگر تا ده سال پیش مخاطبان به دنبال عکس کمتر منتشر نشده از یک بازیگر یا رازی از زندگی آن‌ها بودند، امروز با مراجعه به صفحه اینستاگرام، این میل ارضا می‌شود. با توجه به این عامل، مساله حریم شخصی یک پله خصوصی‌تر شده و مثلا به روابط فردی سلبریتی‌ها - که به دلایل قانونی قدر به انتشار آن نیستند - شده».

به عقیده بسیاری با گسترش اینترنت و به خصوص فراگیر شدن شبکه‌های اجتماعی، مشکل این چهره‌ها بیش از پیش

شده. چرا که در حال حاضر هر حساب کاربری در یکی از شبکه‌های اجتماعی یا هر سایت و وبلاگی، می‌تواند بدون آن‌که نشانه‌ای از خود برای پیگیری‌های قانونی احتمالی بگذارد، قادر خواهد بود خبر، عکس یا فیلم از آن‌ها منتشر کند. مساله‌ای که حوزه خصوصی آن‌ها را بیشتر در معرض تهدید قرار داده است. با این حال کاظم (نام مستعار) بر این عقیده است که چهره‌های مشهور نظیر ورزشکاران، بازیگران سینما و تلویزیون و ... بیش از آن‌که از شبکه‌های اجتماعی لطمه ببینند، از آن‌ها استفاده می‌کنند و حتی این شبکه‌ها باعث «امن‌تر» شدن فضا برای آن‌ها شده: «سلبریتی با استفاده از فضای مجازی خوراکی به مخاطبش می‌دهد، چون هنوز وجوه شخصی زندگی سلبریتی‌ها مثل روابطشان برای مخاطب جذاب است و اتفاقا فضای مجازی تا حدی توانسته به نفع سلبریتی‌ها عمل



کند تا سر رشته اخبار دست خودشون باشد».

این روزنامه‌نگار فرهنگی معتقد است: «فضای مجازی حائلی شده بین زندگی خصوصی سلبریتی‌ها و میل مخاطبان‌شان. حائلی که آن‌ها می‌توانند به عنوان ویتترین از آن استفاده کنند تا در نقش دادن اخبار شکل داشته باشند. با توجه به تمام این نکات قبول ندارم که فضای مجازی حریم خصوصی سلبریتی‌ها را نازک کرده و یا مورد خدشه قرار داده و به زعم من برعکس، اتفاقا باعث شده تا چون خودشان به صورت مستقیم در شکل‌دهی جریان نقش دارند، فضا امن‌تر شود و حتی امکان مصادره به مطلوب برای سلبریتی‌ها بیشتر شود».

او معتقد است که این چهره‌ها اگر تمایل داشته باشند حتی در همین فضا هم می‌توانند از حریم خصوصی خود محافظ کنند: «بهنوش بختیاری وقتی از شب تولدش با حضور چهره‌ها و سلبریتی‌ها فیلم منتشر کرد، نوشت که «چون دوربین بود شوهرم نیومد جلوی دوربین‌ها و دوست نداره که تصویرش جایی ثبت بشه». اگر این اتفاق سال‌های قبل رخ می‌داد، شاید با فضولی و کنکاش بیشتری روبه‌رو می‌شد، اما در حال حاضر خود صفحه بهنوش بختیاری آن‌قدر خوراکی‌های متفاوتی به بیننده می‌دهد که شاید کنجکاوی درباره شوهر او دیگر از اولویت‌ها نباشد».

با این حال کاظم (نام مستعار، روزنامه‌نگار ساکن تهران) درباره اعلام علت مرگ چهره‌هایی نظیر اولادی معتقد است که باید برخی مسایل درباره آن‌ها رعایت شود: «درباره انتشار خبر اینچنینی درباره مرگ به دلیل استفاده از مواد یا مشروبات الکلی، مساله متفاوت است: اول به خاطر سنت و فضای اجتماعی جامعه به معنی حفظ آبروی میت و مساله دوم هم قانون و مساله غیرقانونی بودن استفاده. با این تفاسیر من چنین خبری را منتشر نمی‌کنم».

برخی بر این عقیده‌اند که این پنهان‌کاری‌ها ممکن است باعث ایجاد تصویری غیرواقعی از این چهره‌های مشهور در جامعه شود، مساله‌ای که کاظم با آن موافق است: «قطعا تصویر غیرواقعی می‌دهد، قطعا ابتذال سلبریتی بودن را بیشتر می‌کند و قطعا به ضرر فرهنگ است». اما او دلایلی برای عدم انتشار چنین اخباری دارد: «کار رسانه در جغرافیاهایی که قانون علیه این مسایل وجود دارد، دشوارتر است. یعنی باید مدام بین یک دوگانه حرکت کرد؛ از یک طرف موضع رفتارهای غیراخلاقی و جایگاه مصرف‌گرایی و ابتذال آن‌ها حفظ شود و از طرف دیگر طوری رفتار شود که بخش دلواپس و سودجوی ماجرا، از این موضوع استفاده سو نکند و ریشه آن آدم را به کل نزند. همین کار را سخت‌تر می‌کند. یعنی اگر اجازه داده می‌شد ما درست موضع بگیریم و نقدهای جدی اخلاقی، رفتاری و حرفه‌ای نسبت بهشون داشته باشیم، قطعا فضا به این ابتذال نمی‌رسید که الان هست».

این روزنامه‌نگار به مثال‌هایی هم در همین زمینه اشاره می‌کند. از جمله یک بازیگر سینما که به دلیل استفاده از مشروبات الکلی دچار تصادف شد، اما تهیه‌کننده فیلم خبر را به شکل دیگری اعلام کرد و «همه جا خبر همان‌طور پخش شد که تهیه‌کننده مطرح کرده بود، در حالی که بخش زیادی از خبرنگارهای سینمایی از واقعیت مطلع بودند. در حالی که این اتفاق، غیراخلاقی است و باید علیه آن موضع گرفت. اما چون بهره‌برداری غیراخلاقی از مقابله با یک امر غیراخلاقی می‌شود، عدم انتشار این اخبار عموما بهتر از انتشار آن‌ها تشخیص داده می‌شود».

از زمان پیروزی انقلاب سال ۵۷ تاکنون، کم نبوده‌اند افرادی که به دلایل مختلف - و عموما اعلام نشده - از ادامه کار خود منع شده‌اند. چهره‌هایی نظیر بازیگران سینما یا فوتبالیست‌ها. به شکل کلی کمتر اخبار رسمی درباره دلیل این مساله منتشر می‌شود و در مواردی «نقض حریم خصوصی» آن‌ها از دلایل اصلی این مساله بوده. برای نمونه می‌توان به انتشار فیلمی از زهرا امیرابراهیمی، بازیگر سینما و تلویزیون، اشاره کرد که پس از انتشار فیلمی خصوصی، مجبور به ترک ایران شد.

انتشار عکس و فیلم‌های این چهره‌ها در جمع‌های خصوصی - که رفتار و پوششی مغایر با آن‌چه در فضای رسمی وجود دارد، از آن‌ها می‌بینیم - از جمله دلایل حساسیت آن‌ها نسبت به ورود به حریم خصوصی آن‌هاست. عمومی شدن این تصویرها گاهی ممکن است هزینه‌های زیادی برای آن‌ها داشته باشد. شاید به همین دلیل باشد که برخی معتقدند در صورت آزاد بودن رسانه‌ها در یک جامعه، امکان حفظ حریم خصوصی نیز راحت‌تر وجود دارد.

توجه به زندگی خصوصی چهره‌های مشهور در تمام دنیا وجود دارد. با این حال برخی هم‌چون مهناز افشار معتقدند که عمومی بودن این توجه به معنای صحیح بودن آن نیست: «جمله «همه جای دنیا همین» پاشنه آشیل زندگی انسانی ماست و البته می‌فهمم این موضوع ناگزیر رخ می‌دهد چون ما میلیون‌ها دنبال‌کننده داریم که طبیعتا جذابیت‌های زندگی شخصی ما برای آن‌ها بسیار زیاد است اما خب هر واقعیتی که رخ می‌دهد، حتما درست نیست».

به عقیده این بازیگر سینما «یک انسان اگر مشهور می‌شود همچنان انسان است و فقط حالا به انسان مشهور تبدیل شده». او «طبیعی» توصیف کردن توجه و «نقض حریم خصوصی» به این بهانه را «ظالمانه» می‌داند: «بله ما از این توجه سود و لذت می‌بریم اما می‌خواهم بگویم آسیب‌های آن را نیز ببینیم و از کنار آن ساده عبور نکنیم مخصوصا در کشور ما با شرایط و قوانین خاص آن که می‌تواند ورود به حریم خصوصی هرفردی، خصوصا افراد مشهور، آن‌ها را تا مرز نابود کردن آن‌ها پیش برود».





آیدا قجر

وقتی صحبت از حریم شخصی به میان می‌آید، به‌طور معمول این فضا کمتر برای کودکان فرض می‌شود. مفهوم حریم شخصی کودکان که هنوز در جوامع مختلف، خصوصا توسعه نیافته یا در حال توسعه، جا نیافتاده و شناخته نشده، حتی در غرب و آمریکا نیز مفهومی تازه است که شاید کمتر از دو دهه از آغاز بحث‌های جدی پیرامون آن می‌گذرد. با این حال، به قدری مهم شناخته می‌شود که در پیمان‌نامه حقوق کودک یک بند را از آن خود کند.

در بند ۱۶ پیمان‌نامه حقوق کودک که اعضای سازمان ملل آن را پذیرفته‌اند و ایران نیز از جمله امضاکنندگان آن است، آمده «کودکان حق برخورداری از حریم خصوصی را دارند. قانون باید از آن‌ها در مقابل هرگونه تهاجمی به روش زندگی‌شان، نام نیک‌شان، خانواده‌ها و خانه‌شان حمایت کند». در واقع این بند یادآور شده که بایستی به خلوت کودکان احترام گذاشت و از مداخله خودسرانه در امور خصوصی آن‌ها اجتناب کرد. کودک نیز طبق همین پیمان‌نامه، به فردی گفته می‌شود که زیر ۱۸ سال داشته باشد.

مساله حریم شخصی کودکان، موضوعی نیست که تا به حال تحقیقات و پژوهش‌های بسیاری روی آن انجام شده باشد؛ توجه به این مساله در شبکه‌های اجتماعی و فضای اینترنت که انگار دیگر از آن گریزی نیست، بیشتر به چشم می‌خورد. به طور مثال وقتی حریم شخصی کودکان را به زبان‌های مختلف در اینترنت جست‌وجو می‌کنید، بیشتر به اهمیت این موضوع در آموزش آن به کودکان برای حضور ناگزیر در اینترنت اشاره دارد.

برای نمونه، مدام به والدین یادآوری شده که با چه روش‌هایی می‌توانند از مورد آسیب قرار گرفتن فرزندان‌شان در دنیای اینترنت پیشگیری کنند. هرچند که طبق همین پژوهش‌ها نمی‌توان با قطعیت نشانه‌هایی را انگشت‌نما کرد که نشان‌دهنده تجربه مورد خشونت قرار گرفتن کودکان در دنیای اینترنت باشد. آن‌چه به والدین یادآوری می‌شود نکاتی است که کودک می‌تواند با رعایت آن‌ها کمتر در فضای مجازی، هدف آسیب‌های مختلف قرار گیرد.

کودکان باید یاد بگیرند که مشخصات خصوصی خود از جمله آدرس منزل، نام مدرسه، مشخصات پدر و مادر را در فضای مجازی به اشتراک نگذارند، عکس‌های خود را صرفا با افرادی



نقض حریم شخصی کودکان؛ رد پای برجسته والدین

می‌بینند، لزوما واقعیت است و نه آن‌چه می‌خوانند، تمام حقیقت.

شمار کودکانی که در فضای اینترنت مورد سواستفاده قرار گرفته یا با آزارجنسی مجازی مواجه شده‌اند کم نیست اما آمار دقیقی نیز از آن در دست نیست. کودکان بسیاری هستند که خشونت‌هایی را که با آن مواجه شده‌اند، یا نمی‌شناسند یا در مقابل آن سکوت کرده‌اند. نبود محدودیت زمانی، نداشتن اطلاعات کافی، آشنا نبودن با قوانین مجازی و امثال آن از جمله زمینه‌هایی است که بستر آسیب‌پذیری کودکان را آماده‌تر می‌کند.

اما در کنار مواردی که بیشتر حول خطرات دنیای مجازی می‌گردد، والدین در بسیاری از موارد خودشان ناقضان حریم شخصی کودکان‌شان هستند.

بسیاری از ما شاید به یاد آوریم که در دوران کودکی هیچ حریم شخصی برای خود نداشتیم. تجسس در وسایل کودکان، دنبال کردن آن‌ها، خواندن خاطرات‌شان، کشف و توییح رازهای نوجوانی‌شان، گوش دادن به تماس‌های تلفنی‌شان و نمونه‌هایی که هر کدام خشتی از بی‌اعتمادی را در درون خانواده بنا می‌کند. در چنین شرایطی جدای از بی‌اعتمادی که میان فرزند با والدین به وجود می‌آید، این حریم شخصی کودکان است که همواره به دلایلی از جمله «خیرخواهی» یا «تربیت» نقض می‌شود.

اما نمونه‌های دیگری هم از نقض حریم شخصی کودکان وجود دارد که بیشتر پدر و مادرها به آن بی‌توجه‌اند. حرف زدن از بچه‌ها با دیگران و تعریف کردن از کارها و فعالیت‌های آن‌ها برای افراد خانواده، اقوام، دوستان و همسایه‌ها می‌تواند به اشتراک گذاشتن بخشی از زندگی کودکان باشد که خود کودک از افشای آن در فشار روحی قرار گیرد یا فکر کند که هر حرکت او تحت کنترل است و به دیگران گزارش می‌شود. این رفتار نیز شکاف دیگری میان کودک با والدین او ایجاد می‌کند.

عین همین رفتار در دنیای مجازی نیز می‌تواند نقض حریم شخصی کودکان باشد. نیویورک‌تایمز در گزارش تحقیقی مفصلی که روی کودکان انجام داده، نوشت است که بسیاری از کودکان از این‌که والدین آن‌ها عکس‌ها یا خاطرات شخصی‌شان را در فضای مجازی منتشر کرده‌اند، ناراضی بوده و احساس «شرم» می‌کنند. البته این حس «شرمساری» در دختران بیشتر از پسران به چشم آمده است.

شیوا مادری است که درباره فرزند خود در شبکه‌های اجتماعی مطالب بسیاری منتشر می‌کند، از عکس تا خاطره. او در این گفت‌وگو از داستان خود و دخترش روایت کرد: «معمولا درباره دخترم زیاد می‌نویسم، چندی پیش یک نفر برای کامنت گذاشته بود که عکس فرزندتان من را یاد فلان نوشته شما از او انداخت. پیش خودم فکر کردم وقتی دخترم بزرگ شود فکر میکند که تمام گذشته‌اش را بسیاری از غریبه‌ها می‌دانند. شروع به پاک کردن عکس‌ها کردم».

در بندی دیگر از پیمان‌نامه حقوق کودک آمده است که بایستی به نظرات کودکان اهمیت داد و آن‌ها را در تصمیم‌گیری‌ها شریک دانست. کنار هم قرار گرفتن این دو اصل نشان می‌دهد که بایستی درباره مسایلی که از کودکان برای دیگران تعریف می‌کنیم یا با آن‌ها در فضای مجازی به اشتراک می‌گذاریم، نظرخواهی کنیم و در صورتی که آن‌ها مخالف چنین روشی باشند، پدر و مادر موظف به تامین امنیت فکری کودک هستند.

شناختن فردیت کودک و تلقین استقلال به او امری است که در سنین نزدیک به ۱۸ سالگی و پس از آن خود را نشان می‌دهد. کودک در ۱۸ سالگی بایستی آن‌قدر به استقلال رسیده باشد که فردیت خود را جدای از خانواده‌اش تعریف کند.

در نمونه‌های بسیاری دیده می‌شود که عکس کودکان در شبکه‌های اجتماعی دست به دست می‌شود یا در روزنامه‌ها و نشریات به چاپ می‌رسد. در حالی که انتشار عکس کودک نیز می‌تواند هم به معنای نقض حریم شخصی او باشد که در آینده و پس از رسیدن به سن کامل عقلی با تصمیم پیشین مخالفت کند و هم می‌تواند کودک را در معرض سواستفاده‌های بسیاری قرار دهد. به طور مثال افراد بزهکاری هستند که با استفاده از عکس‌های کودکان اقدام به اخاذی می‌کنند یا حتی در نمونه‌های خاص اما واقعی، کودک شناسایی شده و دزدیده می‌شود.

چندی پیش عکس کودک نوزادی که در آغوش پدر خود زیر دوش در حمام بود سر و صدای بسیاری درباره همین موضوع به راه انداخت و حتی نزد برخی نمونه‌ای از پدوفیلی به شمار آمد. در حالی که بعدتر مشخص شد این نوزاد در شبی که عکس گرفته شده دچار تب بالا بوده و پدرش او را زیر دوش آب خنک برده بود تا حرارت بدن نوزاد کاهش پیدا کند. اما آیا این کودک در بزرگسالی ممکن است موافق اقدام پدر خود در انتشار عکس باشد؟ معلوم نیست.

محققان می‌گویند هنوز نمی‌دانیم کودکان در بزرگسالی چه احساسی از انتشار عکس‌ها و مسایل شخصی‌شان در فضای مجازی خواهند داشت. چراکه دنیای مجازی به کودکی والدین امروز نمی‌رسد و امری جدید محسوب می‌شود. برای همین والدین امروزی نمی‌دانند نقض این حریم در فضای اینترنت چه احساسی ممکن است در کودکان پدیدار کند. در حالی که گزارش نیویورک‌تایمز نمونه‌ای از نتیجه این رفتار به شمار می‌آید ولی تحقیقات و پژوهش‌ها حول این مساله چند سالی‌ست که آغاز شده.

نمونه‌ای دیگر از حریم شخصی کودکان که آن هم همچنان مفهومی تازه اما مهم به شمار می‌آید، شناساندن بدن به عنوان حریم خصوصی به کودکان است. این مساله به قدری اهمیت دارد که می‌تواند در صورت آموزش صحیح از میزان آسیب‌های جنسی بکاهد که کودکان متحمل می‌شوند. در آخرین آمارها از هر ۸ کودک، ۶ دختر و ۵ پسر در کودکی آزار جنسی را تجربه می‌کنند که البته تاثیرات آن، تا بزرگسالی و چه بسا همیشه کودکان را همراهی می‌کند.

والدین بایستی به کودکان آموزش دهند که هیچ‌کس حق نزدیکی به بدن آن‌ها را ندارد و آن‌ها هستند که برای بدن خود تصمیم می‌گیرند. در چنین شرایطی کودکان «نه» گفتن را می‌آموزند و می‌توانند از خود محافظت کنند. در مقابل بزرگسالان نیز بایستی برای نزدیک شدن به کودکان احتیاط کنند. لبخند زدن به کودکان غریبه، دست کشیدن به سر، مو یا صورت آن‌ها، نزدیک شدن به کودکان از روی محبت، عکس گرفتن با آن‌ها، تقسیم کردن خوراکی با کودکان دیگران و

نمونه‌هایی از این قبیل رفتارها می‌تواند کودکان را در معرض خطر قرار دهد. کودکان به راحتی اعتماد می‌کنند و رفتارهای محبت‌آمیز بدون رعایت حریم شخصی کودکان می‌تواند باعث شود آن‌ها به غریبه‌ها راحت‌تر اعتماد کنند و در نتیجه در معرض خطرات بیشتری قرار گیرند.

برای همین در سال‌های گذشته عکس‌های یک روزنامه‌نگار با کودکان غیرایرانی در استادیوم ورزشی فوتبال سر و صدایی به دنبال داشت. آن روزنامه‌نگار با دو دختر خردسال در استادیوم عکس گرفته بود و دستان خود را روی شانه‌های آن‌ها انداخته بود. در حالی که این امر نشانه‌ای است از نزدیک شدن غریبه‌ها به بدن کودکان که می‌تواند بستر ساز خطرهای احتمالی باشد و در عین حال نقض حریم بدن آن‌هاست.

رعایت کردن حریم شخصی کودکان و ارزش گذاشتن به تصمیم‌ها و نظرات ایشان باعث قدرتمندتر شدن فردیت در کودکان می‌شود و اعتماد به نفس آن‌ها را به دنبال دارد. رعایت این اصول از سوی والدین می‌تواند باعث بیشتر شدن حس امنیت کودک در خانواده شود تا از زمینه‌های آسیب‌های اجتماعی آن‌ها کاسته شود. در عین حال کودکان یاد می‌گیرند که خودشان نیز به حریم شخصی بزرگسالان و دیگر کودکان احترام بگذارند و فردیت آن‌ها را به رسمیت بشناسند.

اما در جوامع توسعه نیافته یا کمتر توسعه یافته، به همان میزان که فردیت ناشناخته است، حقوق کودک نیز فرهنگ‌سازی نشده و او را چون وابسته‌ای به والدین متصور می‌شوند. کودکان و بزرگسالان در کنار هم حریم شخصی خود و دیگران را نقض می‌کنند. بسیار شنیده‌ایم که در ادبیات عامیانه می‌گویند «ما شرقی‌ها که همه چیزمان در هم است». تازگیِ حریم شخصی برای کودکان اما باعث شده که این مساله در قوانین ایران جایی نداشته باشد. در قانون حمایت از کودکان و نوجوانان شرایط نگهداری آن‌ها و اصولی که بایستی رعایت شود ذکر شده، در عرف و مذهب نیز کودک وابسته‌ای به والدین تعریف می‌شود که هویتی مستقل ندارد. شناخته بودن این هویت مستقل تا به آن‌جا پیش می‌رود که حتی در برنامه‌های تلویزیون ملی، کودکان‌های بی‌سرپرست به متقاضیان «کادو» داده می‌شود یا پدری که فرزندش در جنگ کشته می‌شود، پیکر او را به آیت‌الله علی خامنه‌ای اهدا می‌کند.

در حالی که حریم شخصی برای کودکان ضمانتی بر حق مالکیت آن‌ها بر خودشان و هر آن‌چه به آن‌ها مربوط است نیز محسوب می‌شود. برای کنترل کودکان در مقابل آسیب‌های احتمالی همان‌قدر که می‌توان با تامین حس امنیت در آن‌ها، اعتمادشان را جلب کرد، می‌توان با نقض حریم شخصی‌شان تیشه‌ای بر ریشه‌ی این اعتماد زد و چه‌بسا باعث دوری بیشتر کودکان از خانواده‌ها شد.

حوزه خصوصی؛ قوانینی قدیمی در عصر فن‌آوری الکترونیک



علی مهدی

حوزه خصوصی جزو حقوق اساسی بشر است که در مصوبات جهانی مختلفی نیز بر آن تاکید شده است. حوزه خصوصی جزو پایه‌های حفظ کرامت انسان و اصول دموکراتیک است. همچنین، حقوق مربوط به حوزه خصوصی حافظ و تقویت‌کننده حقوق دیگری مانند آزادی بیان و آزادی دسترسی به اطلاعات هستند. حق حفظ حریم خصوصی این باور را ایجاد می‌کند که انسان‌ها مستقل، آزاد و دارای درک هستند و می‌توانند با فاصله از دیگران برای خود تصمیم بگیرند، بدون این‌که دولت‌ها یا افراد در حوزه خصوصی آن‌ها دخالت کنند.

حوزه و حریم خصوصی یعنی این که هر فردی حق دارد نحوه و کیفیت مشارکت خود با دیگران را شخصا و بدون دخالت دولت یا افراد دیگر تعیین کند. به مفهوم دیگر، هر انسانی حق دارد به دلایلی که فکر می‌کند مختص اوست، از دیگران متفاوت باشد. در حقیقت، جوهره اصلی حق حفظ حریم خصوصی جز این نیست که هر فردی حق داشته باشد

تا تمامی مایملک و اطلاعات مربوط به خود را حفظ کرده و مانع دسترسی دولت‌ها و افراد دیگر به اطلاعات شخصی‌اش شود.

با این حال، موضوع حوزه خصوصی امری متأخر است و بحث و بررسی در مورد آن یا وضع قوانین مختلف در حمایت از حوزه خصوصی، قدمت زیادی ندارد. این امر پس از رواج اینترنت و در سال‌های اخیر تبدیل به دغدغه‌ای جدید شده است؛ به خصوص که دولت‌ها عمدتاً به بهانه حفظ امنیت ملی، قوانینی را به تصویب رسانده‌اند که حوزه‌ی خصوصی افراد را محدود می‌کند.

سازمان ملل متحد در گزارشی که در ماه ژوئن سال ۲۰۱۴ و پس از بررسی وضعیت کشورهای مختلف منتشر کرد، به این نتیجه رسید که قوانین یا ساز و کارهای مشخص و کافی برای حفظ حریم خصوصی افراد وجود نداشته و اگر هم اندک قوانینی در این زمینه تصویب شده باشد، ضمانت‌های اجرایی ندارد و این امر راه را برای تعرض به حریم خصوصی افراد باز می‌گذارد.

سابقه توجه به حریم خصوصی

پذیرش و شناخت حریم خصوصی به عنوان یک حق انسانی، ریشه‌ای عمیق در تاریخ دارد. در انجیل، اشاره‌هایی به این موضوع شده و در قوانین یهود، از دیر باز مکتوم ماندن مسایل شخصی از انظار دیگران، به رسمیت شناخته شده است. در چین باستان و یونان نیز مصونیت‌هایی در این زمینه وجود داشته است. در سوگندنامه بقراط که به ۳۰۰ سال قبل از میلاد برمی‌گردد پزشکان سوگند می‌خورند که رابطه‌ی آنان با بیماران محرمانه بماند.

تحقیقات مختلف نشان می‌دهد در تمام جوامع قواعد اجتماعی وجود داشته که ورود به اماکن خاصی را محدود می‌کرده و حضور در اماکن معینی را ممنوع می‌دانسته است. برخی صاحب‌نظران مسایل حقوقی معتقدند که موضوع حریم خصوصی افراد از منظر حقوقی سابقه‌ی طولانی ندارد و مقاله مشترکی که وارن و براندیس با عنوان «حق مصونیت حریم خصوصی» در سال ۱۸۹۰ منتشر کردند، اولین بحث جدی و صریحی است که موضوع حریم خصوصی افراد را در چارچوب قوانین حقوقی مطرح کرده است.

با این وجود حمایت از این حریم در کشورهای غربی وجود داشته است. در سال ۱۳۶۱ میلادی، در انگلستان مأمورانی به کار گمارده شدند تا کسانی را که چشم‌چرانی می‌کنند یا فال گوش می‌ایستند، دستگیر کنند. در سال ۱۷۶۵ میلادی



لرد کامدن انگلیسی قانونی را وضع کرد که بر اساس آن برای ورود به خانه‌های مردم و مصادره‌ی یادداشت‌ها و مکتوبات آنان، داشتن مجوز الزامی شد. لرد کامدن در رد حکم ورود به خانه و توقیف اوراق، نوشت: «به راحتی می‌توان گفت در این کشور هیچ قانونی وجود ندارد که آن‌چه را مدعیان انجام داده‌اند توجیه کند. اگر چنین قانونی وجود داشت، همه آرامش را از جامعه می‌ربود، زیرا اوراق آدم‌ها معمولاً عزیزترین مایملکی است که یک آدم می‌تواند داشته باشد». در سال ۱۸۵۸ در فرانسه قانونی وضع شد که انتشار مسایل خصوصی را ممنوع کرد و برای حریم‌شکنان مجازات‌هایی در نظر گرفت. در سال ۱۸۸۹ قوانین نروژ، انتشار اطلاعات مربوط به افراد و امور خصوصی آن‌ها را ممنوع اعلام کرد. از سال ۱۸۹۰ هم در قوانین عمومی آمریکا، این حق به رسمیت شناخته شده است.

حوزه خصوصی در قوانین بین‌الملل

علی‌رغم این‌که قوانین مربوط به حریم خصوصی سیالیت داشته و در کشورها و فرهنگ‌های مختلف، نگاه‌های متفاوتی نیز نسبت به آن وجود دارد، اما مصوبات جهانی زیادی از دیرباز به این موضوع پرداخته‌اند.

ماده ۱۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸ صراحت دارد که «احدی در زندگی خصوصی، امور خانوادگی، اقامت‌گاه یا مکاتبات خود نباید مورد مداخله‌های خودسرانه واقع شود و شرافت و اسم و رسم‌اش نباید مورد حمله قرار گیرد. هر کس حق دارد در مقابل این گونه مداخلات و حملات مورد حمایت قانون قرار گیرد». حریم خصوصی دامنه وسیعی دارد و می‌توان هر آن‌چه را که به دیگران مربوط نیست و با زندگی دیگران ارتباط ندارد را جزو حریم خصوصی دانست. نحوه ارتباط با انسان‌های دیگر، رفت و آمد، پوشش شخصی، وضعیت خانوادگی، دارایی و اموال، علایق و گرایش‌های شخصی و ... از مصادیق حریم خصوصی محسوب شده و به موجب ماده ۱۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر، هیچ‌کس حق مداخله‌های خودسرانه در آنها را ندارد و نمی‌تواند آنها را زیر سوال برده و یا تغییراتی را در آنها تحمیل نماید.

ماده ۱۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر، اقامت‌گاه را نیز در ردیف مصادیق حریم خصوصی اشخاص آورده و حکم ماده را شامل آن نیز می‌داند. بر اساس این ماده، اقامت‌گاه اشخاص قابل تحقیق و تفحص نیست و شخص حق دارد آن را به هر کس که تمایل دارد اعلام نماید.

در ماده ۱۸ اعلامیه اسلامی حقوق بشر مصوب ۱۹۹۰ آمده:

– هر انسانی حق دارد که نسبت به جان و دین و خانواده و ناموس و مال خویش در آسودگی زندگی کند.

– هر انسانی حق دارد در امور مربوط به خصوصی خود (در مسکن و خانواده و مال و ارتباطات) استقلال داشته باشد و جاسوسی یا نظارت بر او با مخدوش کردن حیثیتش جایز نیست و باید از او در مقابل هر گونه دخالت زورگویانه در این امور حمایت شود.

– مسکن حرمت دارد و نباید بدون اجازه ساکنین آن یا به صورت غیر مشروع وارد آن شد و نباید آن را خراب یا مصادره یا ساکنین‌اش را آواره کرد.

ماده ۱۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز به حریم خصوصی افراد اختصاص دارد:

– هیچ‌کس نباید در زندگی خصوصی و خانواده و اقامت‌گاه یا مکاتبات مورد مداخله خودسرانه یا خلاف قانون قرار گیرد و هم‌چنین شرافت و حیثیت او نباید مورد تعرض غیر قانونی واقع شود.

– هر کسی حق دارد در مقابل این‌گونه مداخلات یا تعرض‌ها از حمایت قانون برخوردار شود.

عمده‌ترین تفاوت این ماده با ماده ۱۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر این است که در ماده ۱۷ به قوانین اشاره شده و ورود به حریم خصوصی افراد را با مجوز قانون قابل قبول می‌داند. ماده ۱۷ عملاً مداخلاتی را که وفق قانون باشد، نقض حریم خصوصی نمی‌داند و به نوعی قوای عمومی و قانونی را در ورود به حریم خصوصی افراد اعم از اقامت‌گاه، مکاتبات، زندگی خصوصی و خانوادگی را محق می‌داند. بر اساس ماده ۱۷ هر گاه قانون اجازه ورود به حریم خصوصی اشخاص را صادر کند، شخص نمی‌تواند در مقابل آن مقاومت کرده و به حراست از حریم خصوصی خود برخیزد؛ زیرا این امر با اراده و خواست قانون صورت گرفته و قانون بر اساس ماده ۶ اعلامیه حقوق بشر فرانسه، انعکاس، تجسم و بیان اراده عمومی است و نمی‌توان به بهانه دفاع از حریم خصوصی، مانع از اعمال اراده عمومی شد.

در ماده ۸ کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، مصوب ۱۹۵۰، آمده است:

– همه حق دارند که به حریم خصوصی و زندگی خانوادگی، خانه و مکاتبات آن‌ها احترام گذاشته شود.

– هیچ مقام دولتی نباید به استفاده از این حق تعرض کند، مگر مطابق قانون و تنها در صورتی که این کار برای امنیت ملی، امنیت جامعه، رفاه اقتصادی کشور، پیشگیری از بی‌نظمی یا تبهکاری، حفظ سلامت اخلاقی یا برای حمایت از حقوق و آزادی‌های دیگران در یک جامعه دموکراتیک ضروری باشد.

بر پایه‌ی این کنوانسیون بود که شورای اروپایی حقوق و دیوان اروپایی حقوق بشر تشکیل شدند تا بر اجرای این معاهده نظارت کنند.

ماده ۱۵ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر مصوب ۱۹۶۹ نیز به حق برخورداری کلیه افراد از احترام به حریم خصوصی‌شان تاکید شده است.

حوزه خصوصی در عصر دیجیتال

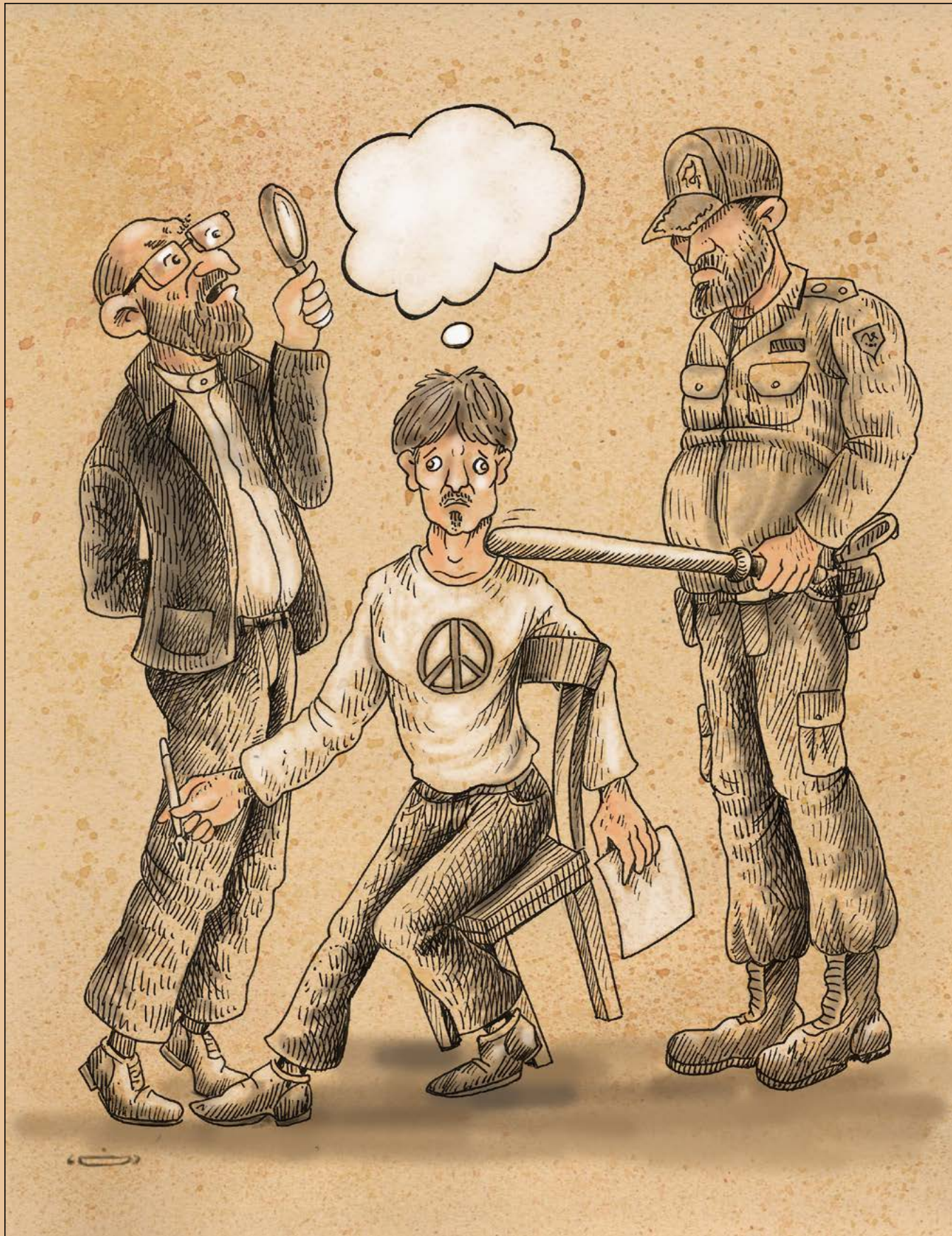
تحولات عرصه فن‌آوری دیجیتال، ارتباطات و تبادل اطلاعات به شکل قابل توجهی در سال‌های اخیر زیاد بوده و تغییرات زیادی در جوامع ایجاد کرده است. دسترسی به مراتب آسان‌تر به اطلاعات نسبت به عصر پیش از فراگیر شدن اینترنت، گروه‌های مدافع حقوق بشر را به تکاپو انداخته تا راه‌کارهایی برای جلوگیری از تعرض حکومت‌ها و افراد به حوزه خصوصی انسان‌ها ایجاد کنند.

به زودی مشخص شد که فن‌آوری دیجیتال ایمنی بسیار کمی در مقابل نظارت الکترونیکی و نقض حریم خصوصی دارد. کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل در دو بیانیه سپتامبر ۲۰۱۳ و فوریه ۲۰۱۴ خود نسبت به حجم زیاد نظارت پنهانی بر اطلاعات خصوصی افراد و در نتیجه تهدید حق آن‌ها در حفظ حریم خصوصی‌شان هشدار داد.

در ژوئن ۲۰۱۳ ادوارد اسنودن مکاتبات و اسناد محرمانه سازمان امنیت ملی آمریکا را فاش کرده و مشخص شد که آمریکا و انگلستان دست به نظارت اینترنتی و شنود تلفن‌ها در سطح جهانی زده‌اند. فاش شدن این اسناد باعث شد به سرعت بحث و بررسی‌های زیادی در مورد مفید بودن قوانین قدیمی حفظ حریم شخصی در عصر دیجیتال در گیرد.

این نگرانی باعث شد تا در دسامبر ۲۰۱۳ مجمع عمومی سازمان ملل بدون رای‌گیری، قطعنامه ۶۸/۱۶۷ را به تصویب رسانده و نسبت به نظارت بر تماس‌ها و اطلاعات محرمانه افراد و تاثیر منفی آن بر حقوق بشر هشدار دهد. در این قطعنامه تاکید شده که حقوق افراد خارج از فضای الکترونیکی در این فضا هم باید به همان شکل رعایت شود و همه دولت‌ها باید به حوزه خصوصی افراد در فضای دیجیتال احترام بگذارند. سازمان ملل در این قطعنامه از دولت‌ها خواست تا در نحوه

کارتون - رضا مختار جوزانی



فعالیت‌ها و قانون‌گذاری‌های خود در مورد حریم خصوصی افراد در فضای دیجیتال تجدید نظر کرده و نسبت به اجرای قوانین جهانی متضمن حقوق بشر در فضای دیجیتال فعال بوده و این قوانین را به طور کامل اجرا کنند.

در عین حال یکی از مشکلاتی که در وضع قوانین مشترک برای جلوگیری از نقض حریم خصوصی افراد در اینترنت وجود دارد، تفاوت نگاه و برداشت‌های مختلف از حوزه خصوصی است. این مشکل تنها در عرصه مجازی نیست که خود را نشان داده، بلکه عامل اصلی عدم وجود قوانین مدون در مورد حوزه خصوصی از دیرباز تاکنون بوده است.

محمد فرحات حقوق‌دان مصری و مشاور سابق دبیرکل سازمان ملل در امور حقوق بشر در مورد برداشت‌های متفاوت از موضوع حوزه خصوصی به آماده‌سازی برای کنفرانس جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۹۳ اشاره کرده که سه سال تمام به طول انجامید. به گفته فرحات در جریان مرحله آماده‌سازی برای برگزاری این کنفرانس که در وین برگزار شد، تقابل آشکاری میان دو موضوع حقوق بشر و حوزه خصوصی مشاهده شد، چرا که حوزه خصوصی سیال بوده و به متغیرهای زیادی مثل شرایط فرهنگی و اجتماعی بستگی دارد. آماده‌سازی برای این کنفرانس زمان زیادی به طول انجامید و بسیاری از کشورهای اسلامی و همچنین کشورهای جهان سوم از مبحث «حوزه خصوصی» دفاع می‌کردند اما نه فقط به این دلیل که رعایت حوزه خصوصی افراد یک واقعیت غیر قابل انکار است؛ بلکه به این دلیل که حوزه خصوصی و تفاوت فرهنگی ملت‌ها بهانه‌ای بود این دولت‌ها بتوانند نقض گسترده حقوق بشر در سرزمین‌های تحت حکومت خود را پشت آن پنهان کنند.

در حاشیه کنفرانس عربی حقوق بشر که در سال ۱۹۹۳ در قاهره برگزار شد نیز مشکل مشابهی ایجاد شد به طوری که این کنفرانس نزدیک بود به علت تنش‌های زیادی میان سازمان‌های حقوق بشری و دولت‌های عربی به تعطیلی کشیده شود.

در کنفرانس عربی حقوق بشر که به ابتکار عمل اتحادیه وکلای عرب و با حضور نمایندگان سازمان‌های غیر دولتی فعال در عرصه حقوق بشر تشکیل شد، موضوع حوزه خصوصی نقش پر رنگی داشت. مشارکت‌کنندگان در این کنفرانس موضعگیری صریحی در این زمینه داشتند که دولت‌های عربی، با سوء استفاده از مفهوم حوزه خصوصی و اهتمام دروغین به آن قصد دارند نقض حقوق بشر که توسط آنها اعمال می‌شود را توجیه کرده و تن به التزام بین‌المللی

برای وضع قوانینی در این زمینه ندهند. در مصوبه نهایی این کنفرانس آمد که «دولت‌های عربی به مفهوم حقوق بشر و حوزه خصوصی با این دید نگاه می‌کنند که چارچوب جدیدی برای فشار بر این دولت‌ها و مخالفت سیاسی است».

ناوی پیلای کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل در گزارش خود پیرامون حوزه خصوصی در عصر دیجیتال تاکید کرده که قوانین قدیمی مربوط به حفظ حریم خصوصی افراد در عصر کنونی نیز پا بر جا است ولی مشکل اصلی در عدم وجود قوانین محلی کافی برای حفظ این حریم است. در بسیاری از کشورها، قوانین محلی در حفظ حریم خصوصی یا کافی نیست و یا بسیار قدیمی است. عدم وجود شفافیت دولتی در مورد سیاست‌های نظارتی، مورد نگران‌کننده‌ای است که مانع وضع قوانین مدون در این حوزه می‌شود.

اسنادی که ادوارد اسنودن فاش کرد نشان داد که دولت‌ها به خاطر ارزان و کارآمد بودن نظارت بر فضای مجازی، از این فضا برای جمع‌آوری اطلاعات و نقض حریم خصوصی افراد استفاده می‌کنند. گستردگی تکنولوژی‌های نظارت بر فضای مجازی باعث شده تا روز به روز دولت‌های استبدادی بیشتری دست به نقض حقوق افراد در حفظ حریم خصوصی‌شان زده و پیش‌بینی می‌شود که در صورت عدم تصویب قوانین جدی و کارآمد، این روند در آینده افزایش یابد.

گزارش سال ۲۰۱۴ سازمان گزارش‌گران بدون مرز در مورد «دشمنان اینترنت» نشان داد که کشورهای زیادی هستند که با استفاده از فن‌آوری نظارت بر فضای مجازی و جمع‌آوری داده‌های خصوصی افراد، بسیاری از فعالان حقوق بشر، روزنامه‌نگاران، اقلیت‌های دینی و ... را تحت فشار قرار داده، بازداشت کرده یا حتی به قتل رسانده‌اند.

در عصر کنونی، این تنها دولت‌ها نیستند که حریم خصوصی افراد را نقض می‌کنند؛ بلکه شرکت‌هایی رسمی مانند تروویکور در آلمان یا جاما (شرکت آلمانی - بریتانیایی) وجود دارند که ابزارها و فن‌آوری نظارتی تولید کرده و در اختیار دولت‌ها قرار می‌دهند و به آنها این امکان داده می‌شود که با بررسی دقیق اطلاعات کامپیوتری و تلفنی افراد، تمام حرکات و رفتارهای روزمره آنها را کنترل کنند.

به گفته محمد فرحات مشاور سابق دبیرکل سازمان ملل در امور حقوق بشر، مهم‌ترین وظیفه سازمان‌های حقوق بشری در شرایط کنونی با توجه به فراگیر شدن ابزارهای دیجیتال و تفاوت شیوه زندگی با دو دهه قبل این است که تلاش کنند تا قوانینی جهانی و محلی برای حفظ حوزه خصوصی افراد وضع شود.

حقوق ما

ما از عدالت سهمی داریم
دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر
ایران/ محمود امیری مقدم
سر دبیر این شماره: کامبیز غفوری
تماس با مجله: mail@iranhr.net

